



روی خط جام جهانی

چکش ها در تعقیب شماره ۹ ایران

وستهام وفولام در کمین مهدی طارمی!

اخبار نقل و انتقالات تابستانی پس از جام جهانی ۲۰۲۶، به‌طور مستقیم ستاره خط حمله تیم ملی ایران، مهدی طارمی را هدف قرار داده است. گزارش‌های اخیر حاکی از آن است که باشگاه‌های لیگ برتری وستهام یونایتد و فولام، به همراه بشیکتاش ترکیه بشدت وضعیت این مهاجم پراوازه را دنبال می‌کنند.

براساس گزارشی اختصاصی از «رید وستهام»، رسانه خبری و هواداری معتبر، وستهام یونایتد با جدیت تمام شرایط جذب مهدی طارمی را زیر نظر گرفته است. مارکوس دایر، نویسنده این گزارش، ادعا می‌کند که احتمال دارد فرودگاه‌های انگلیس مقصد بعدی این ستاره ایرانی باشد. با این حال، «چکش‌های لندن» در این مسیر تنها نیستند؛ باشگاه فولام و همچنین بشیکتاش ترکیه نیز به‌طور جدی وضعیت طارمی را پیگیری می‌کنند.

دایر تأکید می‌کند که در حال حاضر نمی‌توان از مذاکرات نهایی با قریب‌الوقوع بودن این انتقال سخن گفت. مدیران وستهام در فاز ارزیابی دقیق ماتریس مالی این بازیکن در بازار هستند تا از مقرره‌ها به‌صرفه بودن این معامله اطمینان حاصل کنند.

نکته‌ای که به این گزارش ابعاد فرامتنی و جنجالی می‌بخشد، اشاره به حواشی مهدی طارمی در جریان جام جهانی ۲۰۲۶ است. شبکه خبری الجزیره در آن زمان گزارش داده بود که سفر کاروان تیم ملی ایران به سیاتل آمریکا با یک شوک بزرگ و تأخیر مواجه شد؛ چراکه مهدی طارمی به همراه سعید الهویی، مربی تیم ملی برای مدتی توسط مقامات امنیتی و مرزی ایالات متحده توقیف و تحت بازجویی قرار گرفتند. این رویداد در همان مقطع نیز توجه رسانه‌های بین‌المللی را به مهاجم اینترمیلان جلب کرده بود.

به عقیده نویسنده گزارش، مدیران وستهام پیش از این به دنبال تقویت خط حمله خود بوده‌اند و حتی نام جوانانی مانند پاپ موسی فال را در لیست خود داشتند. با این حال، طارمی برای آنها یک پکیج کاملاً متفاوت محسوب می‌شود. او مهاجمی باتجربه در لیگ قهرمانان اروپا است که برخلاف گزینه‌های جوان می‌تواند روی عملکرد کوتاه‌مدت و تأثیرگذاری فوری در لیگ برتر قضاوت شود، نه براساس ارزش فروش مجدد در آینده.

این گزارش در عین حال یک هشدار استراتژیک به مدیران لندن می‌دهد، جذب طارمی تنها در صورتی منطقی و اصولی خواهد بود که از نظر ماتریس مالی کاملاً مقرون به صرفه باشد. وستهام نباید بداند پرداخت دستمزدهای نجومی یا بستن قراردادهای بلندمدت و سنگین با بازیکنان بالای ۳۰ سال، با انالاس سنی اسکواد و روند جوان‌سازی تیم را مختل کند.

در پایان، «رید وستهام» نتیجه‌گیری می‌کند این گلزن ایرانی قطعاً به یک گزینه جذاب و قابل بررسی برای خط حمله وستهام تبدیل خواهد شد.

واکنش

جزئیات مانع صعود شد

وینور بابا: ایران شایسته افتخار است



وینور بابا، دروازه‌بان اسبق تیم ملی پرتغال و چهره نامدار فوتبال اروپا که سابقه حضور در بارسلونا و کاپیتانی پورتو را در کارنامه دارد، عملکرد تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ را تحسین کرد. بابا با اشاره به تلاش بازیکنان ایران در این رقابت‌ها گفت: «مردم ایران باید به تیم ملی خود افتخار کنند. بازیکنان هر آنچه در توان داشتند را در زمین به نمایش گذاشتند و با تمام وجود برای کشورشان جنگیدند.»

او همچنین به شرایط دشواری که تیم ملی ایران در طول مسابقات با آن روبه‌رو بود اشاره کرد و افزود: «همه می‌دانند شرایط برای ایران عادلانه نبود و این تیم مانند بسیاری از رقبایش از فرصت‌ها و امکانات برابر برخوردار نبود. با این حال، بازیکنان ایران در هر مسابقه مانند جنگجویان به میدان رفتند و برای پیراهن کشورشان جنگیدند.»

دروازه‌بان پیشین پرتغال با تمجید از انگیزه ملی‌پوشان ایران ادامه داد: «بازیکنان ایران به جام جهانی آمده بودند تا بزرگی کشور و مردمشان را به دنیا نشان دهند. من با مهدی طارمی دوستی نزدیکی دارم و او را به خوبی می‌شناسم. از مصمم قلب آرزو داشتم ایران بتواند به مرحله حذفی صعود کند.»

بابا معتقد است که فاصله ایران تا تحقق این هدف بسیار اندک بود. او در این باره گفت: «به اعتقاد من، اختلافی بسیار جزئی و چند اتفاق کوچک مانع صعود ایران شد. در مقطعی از مسابقات واقعاً تصور می‌کردم این تیم به مرحله بعد راه پیدا خواهد کرد، اما فوتبال گل‌ها با همین جزئیات سرنوشت مسابقات را تعیین می‌دهد. با این وجود، مردم ایران باید به عملکرد تیم ملی خود افتخار کنند.»

این چهره سرشناس فوتبال پرتغال در پایان با ابراز اطمینان دارم در جام جهانی بعدی شرایط برای تیم ملی ایران متفاوت خواهد بود. اگر این تیم در فضایی عادی‌تر و با فرصت آماده‌سازی بهتر وارد مسابقات شود، با توجه به استعداد و کیفیت بازیکنانش می‌تواند نتایج بسیار بهتری کسب کند و به اهداف بزرگ‌تری دست یابد.»

از خداحافظی‌های بزرگ در جام جهانی ۲۰۲۶ تا سکوت کامل در فوتبال ایران

وقتی همه خوابند!

نقد روز

سینا حسینی

خبرنگار

فهرست سرمربیانی که پس از ناکامی در جام جهانی ۲۰۲۶، بی‌هیچ تعاریفی مسئولیت نتایج را پذیرفته و از سمت خود کناره‌رفته‌اند، روزبه‌روز بلندتر می‌شود؛ فهرستی که از مارسِلو بِلِسا در اروگوئه آغاز می‌شود و به هونگ میونگ‌بو در کره جنوبی، استیو کلارک در اسکاتلند و میروسلاو کوویک در جمهوری چک می‌رسد.

در سطحی بالاتر، نام‌هایی چون یولیان ناگلزمان و رونالد کومان نیز زیر فشار سنگین افکار عمومی و رسانه‌ها قرار گرفتند و ناچار به پاسخگویی شدند؛ همان‌گونه که کارلوس کی‌روش، سباستیان بکاسسه، خاویر آگیره و روبرتو مارتینس نیز از این قاعده مستثنا نبودند.

در بسیاری از این کشورها، حتی پیش از آنکه فدراسیون‌ها تصمیمی رسمی اتخاذ کنند، موج انتقادات هواداران و رسانه‌ها چنان گسترده و بی‌امان است که مربیان راهی جز کناره‌گیری یا پذیرش صریح مسئولیت نمی‌یابند. در فوتبال حرفه‌ای، «نتیجه» تنها معیار مهدی نیست؛ نحوه

بازیکنان با وجود جایگاه اسطوره‌ای خود نه‌تنها

مواجهه با شکست، نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از کارنامه حرفه‌ای محسوب می‌شود. از همین رو، استعفا در چنین فضایی نه نشانه ضعف، بلکه جلوه‌ای از احترام به افکار عمومی تلقی می‌شود. در کنار این موج تغییر روی تیمت‌ها، در زمین مسابقه نیز رخدادهایی معنادار به چشم می‌خورد. جام جهانی ۲۰۲۶ برای برخی از ستاره‌های بزرگ به نقطه تصمیم‌های سخت تبدیل شد. نیمار پس از ناکامی برزیل، رسماً از تیم ملی خداحافظی کرد؛ تصمیمی که اگرچه با حسرت هواداران همراه بود، اما به‌عنوان انتخابی حرفه‌ای و پایان یک دوره تعبیر شد. در اروپا نیز بازیکنانی چون لوکا مودریچ بار دیگر زیر فشار افکار عمومی برای تعیین تکلیف آینده ملی خود قرار گرفتند.

در بلژیک نیز نسل طلایی این تیم از جمله بازیکنانی مانند کوین دی‌بروینه با موجی از انتقادات تند مواجه شدند؛ انتقاداتی که صراحتاً از ضرورت پایان یک نسل و آغاز بازسازی سخن می‌گفت. در پرتغال، کریستیانو رونالدو پس از حذف مقابل اسپانیا، با اشک و اندوه از فوتبال ملی خداحافظی کرد تا نشان دهد حتی بزرگ‌ترین نام‌ها نیز در برابر پایان یک مسیر، ناگزیر از تصمیم‌گیری‌اند.

نکته مهم در تمامی این موارد نه صرفاً خداحافظی بلکه «چگونگی مواجهه با ناکامی» است. این بازیکنان با وجود جایگاه اسطوره‌ای خود نه‌تنها

رفتار عجیب فدراسیون فوتبال با کری خوانی مساوی‌ها

دستاوردهای با هیچ!



سوز

پس از شکست سنگین تیم ملی فوتبال آمریکا در مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶

تلاشی برای قالب کردن ناکامی حریف به عنوان یک دستاورد برای کادرفنی خودی است، پرسش‌های جدی‌ای را درباره رویکرد فدراسیون فوتبال ایران و معنای واقعی کری خوانی در فوتبال مطرح می‌کند.

ساعاتی پس از پایان بازی آمریکا و بلژیک، صفحه رسمی تیم ملی ایران در اینستاگرام، استوری‌ای را منتشر کرد که دو تصویر را کنار هم قرار داده بود: تصویری از نتیجه تساوی مفرح‌تر تیم ملی ایران مقابل بلژیک در مرحله گروهی و تصویری دیگر از نتیجه شکست چهار یک آمریکا مقابل بلژیک در مرحله یک‌هشتم نهایی. در این قاب جنجالی، جمله انگلیسی «Dance with me!» و معادل فارسی آن «چپان ما من برفص» به چشم می‌خورد.

این حرکت، در نگاه اول، ممکن است به عنوان یک باتک مجازی به حواشی اداری و لجستیکی میزبان جام جهانی (از جمله کارکنی ایران) یا واکنشی به مداخله مستقیم سیاست در فوتبال (مانند فشار دونالد ترامپ به جهانی اینفانتینو) تعبیر شود. اما با بررسی دقیق‌تر، بوی یک تصمیم مساوی عجیب نیز از این اقدام به مشام می‌رسد که نه‌تنها به اعتبار فوتبال ایران لطمه می‌زند، بلکه نشان‌دهنده

عدم درک صحیح از مفهوم رقابت و دستاورد در ورزش است.

عدم درک از مفهوم دستاورد

کری خوانی در مرام فوتبال، متعلق به تیم‌هایی است که دستاوردی بزرگ نظیر قهرمانی، صعود به مراحل بالا یا بردی پرگل را کسب کرده‌اند. واقعیت تلخ ریاضی به ما می‌گوید که ایران با بلژیک مساوی کرد و حذف شد؛ آمریکا نیز به بلژیک باخت و حذف شد. در هر دو حالت، هردو تیم چمدان‌هایشان را بسته‌اند و از دور رقابت‌ها کنار رفته‌اند. تفاوت صفر-صفر و ۴-۰ که چه ارزشی دارد وقتی هیچ‌کدام از این دو تیم در جدول حضور ندارند؟ این یعنی ما با «فرمول چطور باختن» برای حریف شمشیری کشیم، که خود نشان‌دهی از ضعف و ناکامی است.

سقف آرزوهای حداقلی

وقتی صفحه رسمی یک فدراسیون که نماد آبرو و عیار فوتبال یک مملکت است، برای یک تساوی بدون گل پایکوبی می‌کند، در واقع به مخاطب خود سیگنال می‌دهد که «سقف آرزوهای ما همین مساوی عجیب نیز است و آن را فتح الفتوح می‌دانیم!» تیمی که ادعای پادشاهی آسیا و صعود به مراحل بالای جهان را دارد، نباید



تیم ملی ایران، با وجود حذف از رقابت‌ها هنوز شاهد هیچ استعفا یا حتی عذرخواهی شفافی از سوی کادرفنی نبوده است. امیرقلعه‌نویی، به‌عنوان نفر اول نیمکت ترنج داده سکوت کند؛ سکوتی که بیش از آنکه نشانه آرامش باشد، به‌نوعی بی‌پاسخ گذاشتن افکار عمومی تعبیر می‌شود. این سکوت تنها به نیمکت محدود نمی‌شود. در زمین نیز نشانی از تصمیم‌های بزرگ و تعیین‌کننده دیده نمی‌شود. بازیکنانی که سال‌ها در ترکیب تیم ملی حضور داشته‌اند و اکنون در سال‌های پایانی دوران حرفه‌ای خود قرار دارند، همچنان بدون اشاره‌ای به پایان مسیر ملی به حضور ادامه می‌دهند؛ گویی زمان در فوتبال ایران با تأخیری معنادار حرکت می‌کند.

برای پنهان کردن ناکامی صعود نکردنش، پشت ماتریکس باخت دیگران پنهان شود. اگر ایران بلژیک را برده بود، این کری مشروعیت داشت، اما نه با این فرمول.

مقایسه بدون منطق

اگر منصف باشیم، آمریکا با تمام حواشی سیاسی اش، تا مرحله حذفی بالا آمد، اما تیم ما با وجود آن تساوی، باز هم در مرحله گروهی حذف شد و به خانه برگشت. کدام عقل سلیمی با این ترازنامه کری می‌خواند؟ این حرکت یعنی برای یک دستاورد حداقلی آن‌قدر ذوق زده می‌شویم که یادم‌مان می‌رود خودمان هم اوت شدیم!

فوتبال ایران با تمام محدودیت‌ها، ستاره‌های باکیفیتی دارد و می‌تواند روی نسل آینده‌اش حساب کند. کری خوانی یا تفکر «مساوی»، تنها یک چیز را ثابت می‌کند، ما همچنان از اعتماد به نفس واقعی و هویت ناهمچی بی‌بهره‌ایم و برای لاابوشانی کارنامه خالی خود، به تحقیر نتایج دیگران پناه می‌بریم. این گونه اقدامات، با ایجاد ارتقایی جایگاه فوتبال ایران، آن را در سطح تفکری حداقلی و احساسی نگه می‌دارد و از پتانسیل‌های واقعی این ورزش در کشور غافل می‌ماند.

تیم ۲۰۰۶ همدل نبود وگرنه صعود می کردیم

هاشمیان: آرزوی من مربیگری تیم ملی ایران است

ترجمه

محمد رضا رحیم پور

مترجم

وحید هاشمیان، مهاجم و مربی سابق تیم ملی فوتبال ایران در گفت‌وگویی مفصل، صریح و بی‌پرده با رسانه «Calcio dor» از مسیر مربیگری خود، شرایط حاکم بر تیم ملی، مشکلات ساختاری فوتبال ایران و خاطرات تلخ و شیرین حضور در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان سخن گفت. «هلیگوپتر» سابق بوندس لیگا معتقد است که فوتبال ایران با وجود استعداد‌های فراوان، همواره با چالش‌های مدیریتی و فرامتنی روبه‌رو بوده که کار را برای هر سرمربی در ابعاد جهانی دشوار می‌کند. مهاجم اسبق بایرن مونیخ ابتدا در خصوص عملکرد اخیر تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ گفت: «به دلیل شرایط خاص و بحران‌های در کشور رخ داد، بازیکنان متأسفانه نتوانستند با آمادگی کامل لجستیکی و روانی راهی مسابقات شوند. ما چند لژیونر کلیدی داریم که در خارج از ایران بازی می‌کنند، اما بدنه اصلی و بیشتر بازیکنان تیم ملی در لیگ داخلی هستند؛ هماهنگ کردن این مجموعه دوباره همیشه دشوار است. از طرف دیگر، به دلیل شرایط موجود بین‌المللی، فرصت برگزاری بازی‌های دوستانه با کیفیت را نداشتیم و بدون ریسک‌پذیری و آماده‌سازی ایدآل وارد مسابقات به این بزرگی شدیم. لیگ هم شرایط فشرده و نامناسبی داشت. وقتی اردوها کوتاه باشد و بازی تدارکاتی کرده‌کنشایی نداشته باشیم، طبیعی است که کار برای کادرفنی سخت‌تر می‌شود.»

هاشمیان در ادامه به موضوع تغییرات مکرر و سلیقه‌ای روی نیمکت تیم ملی اشاره کرد و این فرایند را یکی از چالش‌های اساسی فوتبال ایران معرفی کرد: «به اعتقاد من، اگر یک سرمربی نتایج قابل قبولی کسب می‌کند و تیم را به هدفش رسانده، نباید به‌راحتی و به‌خاطر منافع گروه‌ها تغییر کند. در برخی موارد تغییر مربی اصلاً عادلانه نبود؛ مربی‌ای که نتایج خوبی می‌گرفت، بدون دلیل منطقی کنار گذاشته شد. این سناریوی تلخ در تیم ملی هم تکرار شده؛ گاهی تصمیمات بازیکنان، رسانه‌ها یا باندهای مختلف تأثیر منفی شدیدی می‌گذارد و تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که بیشتر تحت تأثیر پالس‌های مجازی یا فشارهای بیرونی است.»

هاشمیان با دست گذاشتن روی یک فکت تاریخی، تغییر کادرفنی در آستانه جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را یک اشتباه راهبردی دانست: «مثال بارز این تغییرات بدون اثر، بازگشت کارلوس کی‌روش در سال ۲۰۲۲ بود. وقتی دراکان اسکوپچچ را در یک قدمی نوزنمنت برنگار کردند، چانتشین او فقط حدود ۲۰ روز فرصت داشت. در نهایت این تغییر چه دستاوردی برای فوتبال ما داشت؟ ما در جام جهانی ۲۰۰۶ مقابل انگلیس شکست خوردیم، اما در آن مقطع یک تیم کپکشان‌ی بود؛ کریستیانو رونالدو، دکو و فیگو در اوج آمادگی بودند. با این حال، تا دقیقه ۷۰ پایپای جنگیدیم. گل اول پرتغال با یک شوت ناگهانی از راه دور توسط دکو به ثمر رسید که به تیر خورد و گل شد. حضور در جام جهانی می‌گویم پائلی نبود! اگر آن صحنه امروز با تکنولوژی VAR بررسی می‌شد، قطعاً مهاجم پرتغال به درستی مترازش می‌زد. او هنوز هم معتقد است آن نسل طلایی می‌توانست شگفتی‌ساز شود؛



اگر امروز دوباره فیلم بازی مقابل مکزیک را آنلاین کنید، متوجه می‌شوید که تا دقیقه ۷۰ بازی کاملاً پایپای و متعادل بود. اما روی اشتباهات فردی گل خوردیم و ۳ بریک، فاصله فنی دو تیم آن‌قدر زیاد نبود.»

او درباره نبرد دراماتیک مقابل پرتغال نیز گفت: «پرتغال در آن مقطع یک تیم کپکشان‌ی بود؛ کریستیانو رونالدو، دکو و فیگو در اوج آمادگی بودند. با این حال، تا دقیقه ۷۰ پایپای جنگیدیم. گل اول پرتغال با یک شوت ناگهانی از راه دور توسط دکو به ثمر رسید که به تیر خورد و گل شد. حضور در جام جهانی می‌گویم پائلی نبود! اگر آن صحنه امروز با تکنولوژی VAR بررسی می‌شد، قطعاً مهاجم پرتغال به درستی مترازش می‌زد. او هنوز هم معتقد است آن نسل طلایی می‌توانست شگفتی‌ساز شود؛

اگر امروز دوباره فیلم بازی مقابل مکزیک را آنلاین کنید، متوجه می‌شوید که تا دقیقه ۷۰ بازی کاملاً پایپای و متعادل بود. اما روی اشتباهات فردی گل خوردیم و ۳ بریک، فاصله فنی دو تیم آن‌قدر زیاد نبود.»

به مشکلات درون‌تیمی آن نسل بود: «هنوز هم باور دارم با کیفیت مهره‌هایی که در اختیار داشتیم، شایسته صعود به مرحله حذفی بودیم، اما یک مشکل بزرگ خانمان‌سوز داشتیم؛ از نظر فنی عالی بودیم، اما از نظر همدلی، اتحاد و اتمسفر رختکن آن انسجام لازم را نداشتیم! اختلافات عمیقی بین برخی ستاره‌ها و بازیکنان وجود داشت و همین خط‌کشی‌ها روی عملکرد تیمی تأثیر مستقیم گذاشت. اگر از نظر روحی یک‌دست بودیم، صعود کاملاً در مشت ما بود.»

هاشمیان که سال‌ها در بالاترین سطح بوندس لیگا چهارچوب دروازه‌ها را فتح کرده بود، حضور در جام جهانی آلمان را یک سکانس ویژه خواند: «آلمان برای من مثل خانه دوم بود. سال‌ها در بوندس لیگا بازی کرده بودم و جو ورزشگاه‌ها را می‌شناختم. در نورنبرگ، فرانکفورت و لایپزیگ به میدان رفتیم و بازی در جام جهانی، آن هم در کشوری که سال‌ها در آن



زندگی کرده بودم، بهترین خاطره زندگی فوتبالی من است.»

مربی سابق تیم ملی در پایان، از اهداف و رویای‌های بزرگ خود پرده برداشت: «روای بزرگ و همیشگی من، هدایت تیم ملی فوتبال ایران به عنوان سرمربی بوده است و بعد از آن هم نیمکت پرسپولیس. من از آکادمی بایرن مونیخ فارغ‌التحصیل شده‌ام و تجربه مربیگری در سطوح مختلف ساختار بایرن را دارم. مربیگری در ایالت باواریا و بایرن بسیار جذاب و حرفه‌ای است، اما مربیگری در فوتبال یعنی زندگی روی لبه تیغ و ریسک محض. همیشه رویای من این بود که روزی سرمربی تیم ملی ایران شوم. در کنار آن، کار در باشگاه‌هایی مانند بایرن مونیخ یا پرسپولیس هم برای هر مربی افتخار بزرگی است، اما تیم ملی ایران جایگاه ویژه‌ای برای من دارد. البته در فوتبال هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه اتفاقی رخ خواهد داد و موفقیت در این مسیر نیازمند صبر و ثبات است.»

عکس افشا